



30 جون 2019

داکتر سید عبدالله کاظم

مرور کوتاه بر پلانهای پنجساله اقتصادی و اجتماعی کشور (قسمت ششم و اخیر)

منابع کمکی و قروض برای تمویل پلان هفت ساله:

قروض و امدادی که برای تطبیق پلان هفت ساله پیشبینی شده بود، به 2533 ملیون دالر میرسید و اکثراً منابع آن تثبیت بود - اتحاد شوروی، امریکا تا یک حد، عربستان سعودی و ایران. این کشورها همه مبالغی هنگفتی برای تطبیق پروژه های پلان هفت ساله دادند. عبدالعزیز فروغ در مصاحبه خود به این واقعیت اشاره میکند و می گوید: «این خود مشروعیت رژیم محمد داؤد را به اثبات میرسائید که رژیم جمهوری در سطح بین المللی اینقدر شناخته شده بود که هر مملکت از عراق تا کویت و امارات متحده عربی و دیگر کشورهای عربی و اتحاد شوروی، ایالات متحده امریکا، جاپان و چین در تمویل پلان سهم گیری کردند.»

گیورکی یژوف یکی از متخصصان امور پلان گذاری شوروی که با وزارت پلان همکار طولانی داشت، در کتاب خاطرات خود از منابع مختلف برای تمویل یک قسمت پلان هفت ساله به تفصیل گزارش میدهد که در اینجا از شرح مزید آن منصرف شده و فقط به ذکر منابع مختلف آن اکتفاء میداریم:

یژوف شرحی دارد از کمکهای بلاعوض و قرضه ها از کشور های کمونیستی از جمله اتحاد شوروی، چکوسلواکیه، بلغاریا و جمهوری مردم چین. او از کمکهای رو به تزاید کشورهای بلاک غرب نیز با ذکر ارقام و اعداد از کمک های ایالات متحده امریکا، آلمان فدرال، برتانیه، جاپان، دنمارک و کانادا یاد آور میشود؛ از همه مهمتر از کمک های کشورهای اسلامی نام می برد که قبلاً کمتر نظیر داشت: از جمله به کمک های عربستان سعودی، کویت و عراق و بخصوص کمک های درشت ایران اشاره میکند که متأسفانه با برهم خوردن اوضاع در ایران وعده کمک ها چندان عملی شده نتوانست و وزارت پلان افغانستان مجبور شد در قسمت مربوط به کمک های ایران پلان را مورد تعدیل قرار دهد.

درعین زمان یژوف از کمک ها و قروض مؤسسات و بانکهای بین المللی گزارش میدهد که در تمویل پلان هفت ساله بطور قابل ذکر افزایش یافت. او از بانک بین المللی رهنی و انکشافی، بانک جهانی، بانک انکشاف آسیائی، مؤسسه یونیسیف، سازمان بین المللی صحت، صندوق مخصوص سازمان ملل متحد، سازمان جهانی اسعار، کشورهای سازمان اوپک، سازمان بین المللی غذا و زراعت با ذکر مفادیر کمک و قرضه های هر یک معلومات میدهد. (برای شرح مزید و جزئیات ارقام دیده شود - یژوف، گیورکی پیترویچ: "پلانهای محمد داؤد برای بازسازی افغانستان"، مترجم: غوث جانباز، افغان جرمن آنلاين، قسمت سوم، 13 جون 2010 صفحه 4 تا 6 و قسمت چهارم، 28 می 2010، صفحه اول تا 2)

توجه مزید به انکشاف مناطق و ولایات کم انکشاف :

در طول بیست سال تطبیق پلانهای پنجسال (از پلان اول تا ختم پلان چهارم) بیشتر توجه به زیر بناهای اقتصادی آنها در قسمت احداث شاهراه ها، بند های آب و برق و نیز کمی به زراعت و صنعت توجه مبذول گردید و در این مدت حکومت ها مجال آنها نیافتند تا به امور انکشافی مناطق صعب العبور ولایات کم انکشاف و دور افتاده کشور رسیدگی لازم نمایند. صفحات مرکزی، به شمول بامیان، ارزگان، چغچران و دیگر نقاط آن، همچنان ساحات مرتفع ولایات غزنی و وردک، بدخشان، کنر، پکتیا و وادی ننگرهار از جمله مناطقی بودند که به هدف انکشاف متوازن منطقوی در پلان انکشافی هفت ساله جمهوری بیشتر مورد توجه حکومت قرار داشتند. برای توضیح این موضوع لازم است به استناد دورنمای پلان مذکور که در دو جلد از طرف وزارت پلان به نشر رسیده و نظری به پروژه های انکشافی در مناطق و ولایات مذکور انداخته شود که خلاصه آنرا پتروویچ یژوف در کتاب خاطرات خود ذکر کرده است که اهم نکات آنها با اختصار از اینقرار میباشند:

قسمت های مرکزی افغانستان دارای شرایط ناگوار توپوگرافی است، محلات تقاطع قابل ملاحظه داشته و شرایط اقتصادی در اینجا در سطح بدوی قرار دارند؛ اهالی به طور غیرمنظم و پراکنده حیات به سر میبرند. در این نواحی که 139 هزار کیلومتر مربع مساحت دارد، به تعداد 7.3 میلیون نفر زیست میکنند. فقدان راهها و وسایل ترانسپورتی لازم یکی از مشکلات عدیده این مناطق بوده که آنرا از مراکز صنعتی و تجارتی بدور نگهداشته است.

برای رفع مشکلات مناطق مذکور در پلان هفت ساله اعمار راه های موتررو "گردن دیوار- پنج آب (با فاصله 210 کیلومتر) - پل متک - بامیان - بند امیر (با فاصله 236 کیلومتر)، هرات - چشت شریف (با فاصله 131 کیلومتر)، ارزگان - قندهار (با فاصله 164 کیلومتر) در نظر گرفته شده بود. قرار بود تا در هر ولایت ستیشن های کوچک تولید برق آبی و دیزلی ایجاد گردند. نمونه بارزی این دستگاه ها اعمار دستگاه برق آبی در بامیان با ظرفیت 500 کیلووات بود. تجدید و ترمیم خطوط پرواز میدانهای هوایی در بامیان، چخچران و لعل سرچنگل باید ارتباط این مناطق را با کابل قایم میساخت. همچنان توسعه لین های چینل سیستم مخابراتی هرات - چخچران (351 کیلومتر)، بامیان - بلوله (32 کیلومتر)، قندهار - ارزگان (164 کیلومتر) هرات - قلعه نو - میمنه (450 کیلومتر) و همچنان لین های محلی (الی یک هزار کیلومتر)، باید ارتباطات مخابراتی را چه در داخل این مناطق و چه هم با شهرهای دیگر به طور قابل ملاحظه استحکام می بخشید.

در ولایات غزنی و وردک قرار بود 100 کیلومتر سرک در دهات احداث شوند و 400 کیلومتر سرکهای فرعی ترمیم گردند؛ همچنان در نظر بود که 150 بند آب اعمار و 100 چاه آب آشامیدنی حفر و یا مجدداً ترمیم شوند.

در ولایات غور، بامیان، پروان و ارزگان برای توسعه آبیاری زمینها قرار بود که به تعداد 30 شبکه آبرسانی کوچک و 31 کیلومتر سرک در محلات اعمار شوند و 1200 آبریزها و معبر های کاریز، 27 پل و 62 منبع آب برای استفاده اهالی ساخته شوند. ایجاد مراکز و ترنری و واکسین حیوانات به شمول مراکز ذبح حیوانات در غزنی و شیراق و درکنار آن فابریکه چرم سازی نیز شامل پلان بود.

ولایت بدخشان با نفوس تخمیناً 400 هزار نفر و اوسط تعداد نفر خانواده ها به 7.7 نفر، زمینهای قابل بهره برداری در آنجا 560 هزار هکتار تخمین شده بود که از آنجمله 113 هزار هکتار (60

هزارهکتارللمی و 53 هزارهکتار آبی) با وسایل ابتدائی و بدوی مورد استفاده قرار داشت. در این ولایت کمبود مواد خوراکی، قلت آب، نبود مواصلات و در عین زمان موقعیت نهایت صعب العبور بر مشکلات آنجا می افزود. زمین های قابل آبیاری به تقریباً یک سوم حصه همه زمین های موجود را در بدخشان تشکیل میداد، ولی تا آنوقت کار اعمار صرف یک کانال آب به طول 17 کیلومتر با ظرفیت 5 متر مکعب آب در یک ثانیه برای آبیاری تقریباً یکهزار هکتار زمین بایر آغاز گردیده بود. حجم آب های زیر زمینی در این ناحیه قلیل بود و از آنها برای آبیاری ساحات وسیع استفاده نمی شد. در عین حال در پروگرامهای پلان هفت ساله، اعمار شبکه های متعدد کوچک آبیاری شامل بود. تا آنوقت بدخشان با داشتن 212 مرکز آبیاری دارای کمبودیها و نقایصی زیادی بود.

بدخشان با داشتن شرایط مساعد برای انکشاف مالداری در ایام تابستان میتوانست برای پرورش تقریباً 1.8 میلیون رأس مواشی زمینه را فراهم کند، اما افزایش مرگ و میر حیوانات و فرسایش چراگاه ها مانع بزرگ در این راه بود. به همین دلیل پلان هفت ساله در بدخشان انکشاف شبکه های خدمات و ترنری، بهبودی وضع چراگاه ها و ایجاد فارم های تجربوی مالداری را در نظر گرفته بود و نیز در مرکز ولایت، شهر فیض آباد، اعمار یک استیشن برق آبی با ظرفیت متوسط 150 کیلووات در جوار استیشن موجود دیزلی شامل پلان هفت ساله بود.

در ولایت بدخشان 670 کیلومتر راه های مواصلاتی به صورت ابتدایی وجود داشت که بسیاری از آنها با آب خیزی های موسمی تخریب میشدند. در پلان هفت ساله در نظر بود که شاهراه قندز - فیض آباد، عده ای از سرک های داخل ولایت و نیز 6 میدان برای نشست و برخاست طیاره های کوچک ایجاد گردد و هم شهرهای قندز - فیض آباد ذریعۀ ارتباط عصری تلیفون به طول 245 کیلومتر وصل گردند. پروگرام های وسیع انکشاف خدمات طبی برای بدخشان طرح و تدوین گردید بودند. از آنجائیکه در بدخشان در سال 1975 برای یک جمعیت 70 هزار نفری صرف یک داکتر و برای 50 هزار نفر صرف یک بستر در شفاخانه آنجا وجود داشت، لذا در پلان هفت ساله اقدامات لازمه در ساحه انکشاف صحتی این ولایت پیشبینی گردیده بود.

کنز - یکی از ولایات عقب مانده افغانستان بود که در مجموع 26 هزار هکتار زمین برای بهره برداری دارد که از جمله 23 هزار هکتار آن للمی و فقط 3 هزار هکتار آن قابلیت زرع آبی را دارد و 90 فیصد همه حاصلات را در این ناحیه غله جات و حبوبات تشکیل میدهند. طی پلان هفت سال انکشافی در نظر بود تا شبکه های آبیاری را برای 1.5 هزارهکتار زمین جدید زراعتی ایجاد نماید. به اندازه 456 هزارهکتار زمین این ولایت را جنگلها تشکیل میدهند که از اقتصادی و ایکولوژی اهمیت زیاد دارند. طی پلان هفت ساله قرار بود 45 هزار هکتار جنگل قطع و کارخانه تولید "چارتراش" اعمار گردد و سرکی به طول 40 کیلومتر در میان جنگل ها کشیده شود. در عین حال در نظر بود تا در ظرف پلان در ساحه 6100 هکتار زمین جنگلهای جدید به میان آید.

ولایت پکتیای (بزرگ) که بیشتر کوهستانی است واز مجموع 17600 کیلومتر مربع مساحت آن صرف 1430 کیلومتر مربع آنرا همواری ها تشکیل میدهد، فقط 9 فیصد ساحه مجموعی آن برای زراعت مناسب میباشد و باقی اکثریت زمینهای حاصلخیز در کوهستانها قرار دارد که به مشکل از آنها استفاده میشود. زمین های زراعتی عمدتاً در نواحی شهرهای همچون گردیز و خوست قرار داشته که غالباً با مشکل کمبود آب مواجه اند. حکومت طی پلان هفت سال در نظر داشت تا: جنگلات را در ساحه 8500 هکتار زمین احیاء کند و سرکها را در میان جنگلات به طول 170 کیلومتر

د پانو شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

احداث و برای محافظت جنگلهای قدیمی اقدام نماید. برای این مقصد در نظر بود تا 17 میلیون نهال را در خریطه های مخصوص پلاستیکی پرورش داده تا بعداً به زمین غرس شوند که برای تمویل این پروژه 260 میلیون افغانی و 3 میلیون دالر تخصیص داده شده بود. همچنان بررسی ها حاکی از آن بود که پکتیا دارای 32 میلیون متر مکعب آب زیر زمین میباشد و با این رقم بر علاوه آبهای بارانی قرار بود در ظرف هفت سال پلان با مصرف 220 میلیون افغانی و 1.65 میلیون دالر در حدود 5850 هکتار زمین زیر آب شوند و 250 کیلومتر سرک اعمار گردد.

وادی ننگرهار که عمدتاً با کانال ننگرهار مرتبط است، دارای مساحت 31200 هکتار زمین قابل آبیاری دارد، از جمله 6700 هکتار آن ملکیت شخصی بوده و قبل از اعمار کانال از آن بهره برداری صورت میگرفت. 13300 هکتار زمین که در 5818 هکتار آن فارم های دولتی ایجاد گردیده بود، تا سال 1975 تحت بهره برداری قرار داشت و 7571 هکتار آن به ناقلین سپرده شده بود. پلان هفت ساله در نظر داشت در مساحت 2527 هکتار زمین باغها را در دو فارم جدید التاسیس به نامهای "جمهوریت" و "26 سرطان" که 154 هکتار آنرا باید باغهای سیتروس و 2373 هکتار آنرا باغهای زیتون تشکیل میداد، آباد نماید. مساحت تولید غله و حبوبات در این میان الی مارچ 1983 یعنی ختم پلان هفت ساله قرار بود از 3185 به 1574 هکتار کاهش یابد. حاصلات سیتروس مطابق پلان باید از 2100 کیلوگرام فی هکتار به 3500 کیلوگرام فی هکتار افزایش می یافت و مجموعی حاصلات آنها باید از 2000 تن به 8845 تن بالا میرفت. حاصلات زیتون قرار بود از 790 کیلوگرام فی هکتار به 3000 کیلوگرام فی هکتار برسد و حاصلات مجموعی آن باید در سال 1982 به 4380 تن افزایش می یافت. (بژوف، پتروویچ: "پلانه محمد داؤد..."، قسمت پنجم.. صفحه 3 و 4)

اما روزگار فرصت تطبیق این همه پروژه های مهم را نداد و هنوز دو سال از تطبیق آن پلان نگذشته بود که کودتای منحوس 7 ثور 1357 (27 اپریل 1978) صورت گرفت، نظام جمهوری سرنگون شد. همه پروژه از بین رفت و پلان انکشافی هفت ساله ناتمام ماند. در این حادثه خونبار محمد داؤد رئیس جمهور کشور با تمام خانواده خود در صبح زود 8 ثور جام شهادت نوشیدند و از آن به بعد جریان انکشاف و آبادانی کشور به عقب کشیده شد؛ جای پیشرفت را ویرانی و بربادی گرفت که در نهایت هر آنچه در کشور در طول سالها اعمار شده بودند، همه از بین رفتند و افغانستان بیک کشور خاک و خون تبدیل گردید.

(قسمت اخیر و پایان)

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ